

ادبیات فارسی در چین*

...قبل از هر چیز خواهشمندم سلام صمیمانه مرا قبول بفرمائید. جلد دوم نامواره را آقای دبیرسایقی بمن دادند. بسیار تشکر میکنم. راستش میگویم که واقعاً احساس شرمساری میکنم که شما آنقدر نسبت بمن لطف و محبت دارید. ضرب‌المثل چینی‌ای هست که میگوید «بدون انجام کار و خدمت، از لطف دیگران برخوردار بودن ب مردم شرم میدهد». من اکنون تقریباً در همین حالت هستم. اینک با استفاده از فرصت مطالعه در موسسه لغت‌نامه، مقداری نوشتم و در اختیار شما میگذارم که شاید بعضی از اطلاعات آن مفید واقع باشد. در چین در این مورد مقاله‌ای داشتم که در «شرق‌شناسی» دانشگاه پکن انتشار یافته، این مقاله فارسی بر پایه همان مقاله نگارش شده است.

ارادتمند چینی جان هون نین

(۲۹ بهمن ۱۳۶۵)

ایران یکی از کشورهای آسیای غربی است که درست در نقطه تلاقی سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا قرار میگیرد. قفقاز و سرزمین ماوراءالنهر در شمال ایران قرار دارد، و در جنوب آن خلیج فارس و اقیانوس هند میباشد. جاده ابریشم که شهرت جهانی دارد سرزمین ایران را از شرق به غرب توصیف نموده و از ایران به روم شرقی وصل شده. این ویژگی‌های جغرافیائی در طول تاریخ برای تمسای ایران با کشورهای مختلف تسهیلات فراوانی فراهم آورده و در عین حال هزار و یک دشواری را نیز برای آن ایجاد کرده است. بدین معنی که ایران باسانی مورد حملات ملت‌های بیگانه قرار گرفته، در نتیجه، صدمات و ضایعات زیادی بر پیکرش وارد آورده است. نیروهای انتقامجوی اسکندر، سپاهیان مقتدر عرب و سواران وحشی جنگیزخان همه چکمه یا سم اسبان بر این سرزمین بدبخت و پردرد اثر گذارده و بدفعات ملت ایران را طعمه آتش و خود کرده است.

در روزگار قدیم، سرزمین ایران به بازار پر خرید و فروش اهالی سه قاره تبدیل میگشت و در ضمن، ایران مرکز و کانونی را تشکیل داد تا فرهنگ و تمدن ملت‌های مختلف در اینجا بهم پیوند خورد. فرهنگ و تمدن فارسی که در قدیم پایه و اساس استوار خود راه ریخته بود، در قرن وسطا به حد اعلای رشد خود رسیده و ثمرات فراوانی بیار آورده است. در سرزمین ایران بسیاری از دانشمندانی در رشته‌های مختلف علم و دانش پروراندند که بدون اغراق در ردیف دانشمندان طراز اول جهانی جای دارند.

در قدیم فرهنگ و تمدن ایران با فرهنگ و تمدن هند و یونان از یکدیگر متأثر بودند و بعد از قرن هفتم میلادی عرب سلسله ساسانیان را وازگون ساخته و این حادثه بر پیکر فرهنگ و تمدن و حتی بر مذهب و طرز تفکر و اندیشه مردم ایران نیز اثر چشمگیری گذارد و فرهنگ و تمدن ایرانی رنگ اسلامی بخود گرفت و در پیوند با فرهنگ و تمدن غربی که از فرهنگ و تمدن ایرانی بارور شده بود، به یک فرهنگ و تمدن اسلامی پررشد تبدیل گردید.

سراغاز برقراری روابط بین دو ملت چین و ایران به دوهزارسال پیش کشیده میشود. درسال

* آقای جان هون نین مدرس زبان فارسی در دانشگاه پکن شش ماه از سال ۱۳۶۵ در ایران بود و در سازمان لغت‌نامه دهخدا به پژوهش اشتغال داشت و این مقاله حاصل قسمتی از کار ایشان است که بی‌هیچ تصرف چاپ می‌شود. خط فارسی ایشان هم بمانند نوشته روشن و استوار است.

۱۱۹ میلادی سفیری از امپراطوری چین بنام جان چیان (Zhang Chang) ضمن دومین دیدار خود از کشورهای غربی، معاون خود را برای دیدار از ایران فرستاد و این دیدار بعنوان سرآغاز روابط بین چین و ایران در تاریخ ثبت گردید و از آن به بعد در طول سالیان دراز، روابط دوستانه و حسنه بین دو ملت ما همچنان حفظ شد. چه در راههای پرفراز و نشیب جاده ابریشم، چه در مسیر پر تلاطم کشتیرانی اقیانوس هند، سفیران و بازرگانان بین دو کشور رفت و آمد میکردند، و این سفیران و بازرگانان حامل دوستی و مودت صادقانه و صمیمانه مردم دو کشور بودند.

یکی از یادداشتهای تاریخی چینی نزدیکی مناسبات بین دو کشور را بروشنی بیان میکند که در سال ۶۴۷ میلادی سلسله ساسانی ایران در واقع بوسیله عرب و ازگون گردید، یزدگرد سوم پادشاه وقت ایران سفرا را بمنظور جلب کمک به امپراطوری چین فرستاد و سه سال بعد خودش در راه عزیمت به شرق کشته شد. پس از آن پسر و نوه اش هر دو بنوبت وارد چین شدند و حتی مقامهای دولتی چین را احراز نمودند و هر دو پادشاه در چین بدرود زندگی گفتند. پس از سقوط سلسله ساسانی، چین همچنان پیروز، پسر یزدگرد سوم را بعنوان پادشاه پذیرفت و در آن روزگارهای سخت برای ملت ایران، رفت و آمد بین دو کشور نه تنها کاسته نشده، بلکه فزونی هم یافت، بنابر نوشته های یکی از کتابهای تاریخی چین بنام «زه فویوان گوئی» (Zifuyuan gui) در مدت ۱۳۲ سال، از سال ۶۳۹ تا سال ۷۷۱ میلادی دولت چین برای ۳۵ بار از سفیر ایران پذیرفت.

در زمینه فرهنگی، روابط بین دو ملت چین و ایران نیز بسیار زیاد بود، بعنوان مثال یکی از شاهزادگان سلسله اشکانی در سال ۱۴۸ میلادی وارد چین گردید و وی نام چینی را یعنی (On ching) «آن چین» گرفته و در چین ۳۹ کتاب مقدس بودائی را از سانسکریت به چینی ترجمه کرده و بزبان ترجمه اش مورد ستایش خاص و عام قرار گرفت و معاصرانش میگفتند «معنای آن روشن و دقیق و طرز استعمال کلمات درست، انشایش زیبا ولی نه پرطمطراق، ساده ولی نهست و نارسا است». پس از آن، در سال ۱۹۵ یکی از ایرانیان که نام چینی اش «آن سوان» (An xuan) بود، وارد شهر «لویان» (Lou yang) پایتخت دودمان «هان شرقی» شد و با همکاری یکی از راهبان چینی بنام «یان فوتیانو» (Yan fu tiao) مشغول ترجمه کتابهای مقدس بودائی شد. و میگفتند: «آن سوان» شفاهاً ترجمه میکند و یان فوتیانو یادداشت می نماید و تمام معنای اصلی و پنهانی آن کتابها را شنک ترجمه کردند.

در زمینه ادبی، قبل از هر چیز، باید «لی ایو» (۸۸۵ - ۹۳۵ میلادی) (Li yu) که یکی از شاعران مشهور اواخر دودمان «تان» است، نام برد. لی ایو از اخلاف «لی سوشا» (Li su sha) یکی از بازرگانان ایرانی بود و در چین خیلی معروف است. در کتابهای قدیمی چینی ثبت شده است که میگوید «لی ایو» در ایران بدنیا آمده و رشد نمود و بعداً در استان «سی جوان» (Si chuan) چین اقامت گرفت. وی زبان و ادبیات چینی را با پشتکار فراوان مطالعه نموده طوری فرا گرفت که هر چه او می سرود مورد پسند مردم قرار گرفت. اکنون ۵۴ قطعه شعر چینی از لی ایو در دسترس است و این اشعار از شیوه استعمال کلمات، سلیقه نگارش و روحیه و احساساتی که نشان میدهند، از اشعار اصیل چینی است. شخصی که در ایران بدنیا آمده و رشد نموده میتوانست تا این اندازه بر زبان چینی مسلط شود و به چینی شعر بگوید، این نشان میدهد که وی فردی است که دارای استعداد عالی و در عین حال بما میرساند که او با جدیت و پشتکار زیادی کار کرده است. این ۵۴ قطعه شعر که لی ایو برای نسلهای بعدی گذارده بعنوان ثمرات شیرین در تبادلات فرهنگی بین دو ملت چین و ایران بشمار می آید.

۱- در کتاب چینی اسم پدرش نوشته شد ولی حیف بود که به چینی: «من چوی» (Man chu) دوم در صورتی که تاریخ ورود این پسر به چین در نظر بگیریم، شاید بتوانیم او را پسر پادشاه بلاش دوم حدس بزنیم.

۲- از مقدمه منتخبات اشعار شاعران غیر اصیل چینی. یعنی شاعران غیر از ملت هان باشند، مثلاً مغولی، کرهای، ولی زبان چینی را خوب یاد گرفتند و بزبان چینی شعر میسرودند.

آثار ادبی فارسی تقریباً از قرن ۱۶ میلادی در چین شروع بگسترش نمود. در آن زمان گلستان شیخ سعدی بمنابه یکی از کتب درسی اخلاقی مسلمانان چین خوانده میشد، ناگفته نماند که غزل سعدی حتی پیش از گلستان به چین وارد شده، ۵۵ سال پس از درگذشت شیخ، یکی از غزلیاتش در شهر زیبای «هان جو» (Hang chu) بفارسی خوانده میشد.

در بین سالهای ۱۹۳۷ - ۱۹۴۷ میلادی یکی از دانشمندان اسلامی چین بنام «وانگ چین جایی» (Wang jing jai) گلستان را از فارسی بطور کامل ترجمه کرده و بوسیله نشریه اسلامی «نیوچه» (niouje) بکن انتشار یافت. مترجم این کتاب کار بسیار نیک را انجام داد که مسلمانان و همچنان مردم چین فرصت یابند از این اثر نفیس وبی نظیر استفاده کنند. وانگ در مقدمه چاپ چینی این کتاب خاطر نشان ساخت «نویسنده این کتاب در نگارش ادبی بس ماهر و قلمش بسیار قوی بوده، وی در ادبیات فارسی نوآوری کرده و زبانش در ضمن جدیت، خوششزه و بانمک هم هست. از اینرو آثارش مورد پسند خاص وعام قرار گرفت و خود او یکی از چهارستون شعر فارسی بشمار میرود.» ترجمه کامل چینی گلستان بقلم یکی از دانشمندان اسلامی چین حائز اهمیت خاصی است. این امر گویای آن است که مسلمانان چین در شناسائی فرهنگ و تمدن ایرانی در پیشاپیش صفوف دانشمندان قرار دارند و خدمات شایانی انجام دادند. با آنکه در سالهای اخیر. ترجمه های آثار ادبی فارسی بزبان چینی نسبتاً زیاد شده، ولی ترجمه چینی گلستان که در حدود چهل سال پیش انجام یافته، برای همیشه بعنوان سرآغاز شناسائی آثار ادبی فارسی در تاریخ تبادلات فرهنگی بین دو ملت چین و ایران ثبت خواهد شد.

در سال ۱۹۵۸ میلادی، در چین ترجمه ای جدید گلستان بعنوان تجلیل ۷۰۰ سالگی نگارش این کتاب نفیس چاپ شد، و یکی از ادبای مشهور چین بنام «جن جن دو» (Zheng Zhen du) برای ترجمه^۴ مقدمه ای نوشت. وی سعدی را شاعر انسان دوست و نیکدل خواند و اهمیت ادبی جهانی آثارش را نشان داد. اینجا، هنگامیکه نام ادیب مشهور جن جن دو را بردیم، نباید خدمات شایان وی را در معرفی ادبیات فارسی از نظر دور سازیم. وی کتابی را بعنوان «ادبیات جهانی» تألیف نمود. در آن کتاب او یک فصل کامل را برای ادبیات قرون وسطائی ایران اختصاص داده و در باره ۲۸ شاعر ایرانی و آثارشان بحث نمود. این کار تقریباً ۵۰ سال پیش انجام یافته، بیانگر آن است که وی در ارزیابی ادبیات ایران چه ذوق وشوقی داشته و برای ادبیات ایران در صحنه بین المللی چهاررزی قائل شده است.

شاعری که پس از سعدی به مردم چین معرفی گشته حکیم عمر خیام است، در سال ۹۲۴ میلادی یکی از شاعران معروف چین بنام گوموژو (Go mo rou)، وی پس از پیروزی انقلاب چین در سال ۱۹۴۹ میلادی معاون نخست وزیر و رئیس فرهنگستان ومعاون رئیس کنفرانس نمایندگان خلق شده بود. رباعیات عمر خیام را از زبان انگلیسی (فیتزجرالد) بزبان چینی ترجمه کرد. هم فیتزجرالد هم گو هردو شاعر بودند. از این دو ترجمه شان در بند لفظ نبودند بلکه سعی میکردند روحیه عمر خیام را ترجمه کنند. اکنون ترجمه انگلیسی رباعیات عمر خیام دیگر جزو ادبیات انگلیسی شده ومردم چین نیز ترجمه چینی رباعیات خیام را که بقلم گو موژو انجام یافته، عزیز میدارند.

جالب آن بود که یکی دیگر از شاعران معروف چین بنام ون ای دو (Wen yi du)، وی در آستانه پیروزی انقلاب بوسیله مرتجعین ترور شد) پس از خواندن ترجمه چینی رباعیات عمر خیام، آنرا با شور وهیجان استقبال نمود. وی اظهار نظر کرد که گوموژو با آنکه در درک کردن انگلیسی در بعضی موارد عاجز است، ولی در ترجمه روحیه عمر خیام کار بسیار جالبی انجام داد. در آن زمان

۳- ترجمه فارسی سفرنامه ابن بطوطه.

۴- ترجمه جدید گلستان در سال ۱۹۵۸ میلادی ترجمه ای از زبان انگلیسی برای اینکه ترجمه وانگ اصلاً نایاب شد.

میان این دو شاعر معروف چین که شاید آن دو بزرگترین شاعر معاصر چین باشند، در مورد اندیشه و افکار عمر خیام حتی بحث نسبتاً شدید در گرفت. گوموژو در مقدمه کتاب ترجمه‌ای خود خاطر نشان ساخت که «عمر خیام یکی از آگاهانی بود که خود را از ابهام و حالت تاریکی اولیه بشریت رها ساخته و پدید دل با اطراف خود نگاه میکرد و دلش همیشه در بند پرسشهای بی‌پایانی است. وی در مقابل غم و غصه فراوان بشریت که دائماً بر خاطرش سنگینی میکرد، عاجز و ناتوان بوده و از این رو به شراب روی آورد و میخواست با شراب این غم و غصه را تخفیف دهد یا دست کم برای مدتی خود را بی‌حس کند». ولی شاعر دیگری یعنی ون‌ای دو مخالف این نظر بود، و اظهار داشت مطالعه رباعیات عمر خیام در فلسفه و اندیشه زیاد اهمیت ندارد، و برتری و زیبایی آنها در شکل و هنر است. فردوسی، حماسه‌سرای بزرگ ایران برای مردم چین نیز بیگانه و نا آشنا نیست. در کتاب مذکور جن جن‌دو بعنوان «ادبیات جهانی»، نویسنده درباره فردوسی مفصلاً شرح داده، و در سال ۱۹۳۴ دولت وقت ایران «هزاره فردوسی» را تشکیل داده و این امر در کشورهای مختلف نیز انعکاس یافت. در آن سال در یکی از مجلات وزین ادبی چین بنام «ادبیات» مقاله‌ای با عنوان «هزاره فردوسی شاعر فارسی» انتشار یافت. در این مقاله نویسنده درباره زمان و وضعیت اجتماعی هنگام نگارش شاهنامه شرح داده و بهیراز این مقاله، در این شماره مجله ترجمه «حکایت جمشید و ضحاک» نیز درج گردید. در سال ۱۹۶۴ میلادی، در شهر شانگهای ترجمه داستان «نبرد رستم و سهراب» انتشار یافت.

پس از بی‌نظم و درهم‌برهمی دهساله که از سال ۱۹۶۶ تا سال ۱۹۷۶ میلادی بطول انجامید، مردم چین بتدریج نگاه خود را به‌صحنهٔ پهناور جهان متوجه ساخته، و با ذوق و شوق بیشتری ترجمه آثار ادبی فارسی را میخوانند، و از همین وقت است که آثار ترجمه‌ای ادبیات فارسی که مستقیماً از فارسی ترجمه شده بود روز بروز بیشتر شد. آنچه که در سالهای اخیر ظاهر شده است، عبارتند از:

- ۱- منتخبات غزلیات حافظ (مترجم شین پین شون) (Sheng pin shon).
- ۲- منتخبات اشعار رودکی (مترجم جان هونی) (Zhang hui)
- ۳- منتخبات حکایتهای ملا نصرالدین (مترجم یوان وین چی) (Yuan wen chi)
- ۴- داستان دل‌انگیز ادبیات فارسی (مترجم جان هون نین) (Zhang hong nien)
- ۵- لیلی و مجنون نظامی گنجوی (مترجم جان هون نین) (Zhang hong nien)

مثل غلامقندان ادبیات در سایر کشورها، علاقمندان ادبیات چین درباره نظامی گنجوی کمتر از دیگر شعرای فارسی اطلاعی دارند، در چین گاهگاهی درباره نظامی نوشته‌هایی انتشار یافته، ولی اکثریت آنها نقل شده از مطبوعات کشورهای خارجی است و چهره درخشان این شاعر بزرگ ایران را بدرستی ترسیم نکردند. چه بسا در آنها مواردی گنجانده شده که قابل بحث هم هست. متوجه به این وضعیت، مترجم «لیلی و مجنون» در مقدمه چاپ چینی این اثر، چنین نظری ایراز داشت: «بعمل تاریخی، در حال حاضر، وطن این شاعر بزرگ ایرانی جزو سرزمین ایران نیست، ولی این امر به‌چوچه واقعیتهای راکه نظامی گنجوی یکی از شاعران بزرگ ایران است، نمی‌تواند تغییر دهد، چون در زمان حیات شاعر و مدتی طولانی پس از او شهر گنجه جزو خاک ایران بوده، بغیر از این آن زبانی که شاعر در نگارش بکار میبرد، فارسی اصیل است، از نقطه نظر رشد و تکامل ادبیات، فارسی، آثار درخشان وی بمثابة یکی از حلقه‌های کلیدی پیشرفت ادبیات است، بدین معنی که او سنن ادبی قدما را بارث برده و با کار بی‌نظیر خود این سنن را قوی و غنی کرده و به نسلهای بعدی

- ۵- این داستان را پان چین‌لین (Pan ching ling) مترجم آن را از زبان روسی ترجمه کرده است.
- ۶- می‌خواهم از این فرصت استفاده کنم تا از دو دکتر ایرانی یعنی دکتر محمد دبیرسیاقی و دکتر غلامرضا ستوده تشکر بکنم که در ترجمه لیلی و مجنون از کمکهای دلسوز این دو دکتر برخوردار شدم.

سپرد». خود شاعر در سرآغاز «لیلی و مجنون» چنین ابیاتی را سرود:

خاصه ملکی چو شاه شروان شروان چه که شهریار ایران
نعمت ده پایگاه ساز است سر سبز کن و سخن نوازست
این نامه بنامه از تو درخواست بنشین و طراز نامه کن راست

این گفته مناسبات تبعیت حکومت محلی از حکومت مرکزی را بروشنی نشان میدهد، بنابراین آنچه گفته، ما کاملاً حق داریم بگوئیم نظامی یکی از شعرای بزرگ ایران است و آثار درختان او متعلق به مردم ایران بوده و البته در ضمن نیز خیر و گنجینه ادبی مردم و وطنش میباشد.

در سال ۱۹۸۲ میلادی، در چین یک دائرةالمعارف ادبی چاپ شد و بخش ادبیات خارجی آن دو فصل بعنوان «ادبیات فارسی» و «ادبیات معاصر ایران» را شامل است^۷ و بغیرازاین، در این دائرةالمعارف ۲۸ نفر شاعران یا نویسندگان ایران جداگانه معرفی گردیده است. در سال ۱۹۸۳ میلادی، در مجله «ادبیات خارجی» دانشگاه پکن مقاله‌ای بعنوان «شناسائی ادبیات فارسی» انتشار یافت. این مقاله که شاید بلندترین و مفصلترین نوشته از نوع خود باشد، نویسنده‌اش کوشش کرده یک بررسی کامل و همه‌جانبه براساس کارهای انجام شده، در اختیار خوانندگان قرار دهد^۸.

کرسی‌های مدارس عالی نیز یکی از صحنه‌های معرفی ادبیات فارسی است. اکنون در چین در مدارس عالی، ادبیات فارسی بعنوان یکی از بخشهای مهم واحد «ادبیات شرقی» همزمان با ادبیات ژاپنی، هندی تدریس میشود. نویسنده این مقاله خود شاهد آن است که در چین در تریبونهای پیش از چندین ده مدرسه عالی، ادبیات فارسی تدریس میشود. خود من در دانشگاه پکن برای شش دور ادبیات فارسی را برای دانشجویان دانشکده‌های مختلف علوم انسانی شرح داده‌ام. در بخش فارسی، واحد «ادبیات فارسی» مفصلتر از بخشهای دیگر شرح میشود.

هنگام بحث در مورد تأثیرات ادبیات فارسی در چین، نباید از پیوستگی فرهنگی و ادبی اقلیتهای ملی منطقه «سین‌جیان» (Sing jiang) چین غفلت ورزیم. بعضی از اقلیتهای ملی چین در طول تاریخ با فرهنگ و تمدن ایران روابط بسیار نزدیک دارند، بطوریکه آنها حتی باچهره‌های ادبی ایران آشنا هستند. بعنوان مثال، در منطقه مرزی سه کشور چین، پاکستان و افغانستان، در داخل خاک یک شهرستان واقع است بنام شهرستان خودمختار تاشکورخان تاجیکی. جوانان این شهرستان اظهار داشتند که سرزمین شهرستان آنها جزو میدان جنگ رستم، قهرمان افسانه‌ای است. در این شهرستان یک چشمه آب موجود است که میگویند رستم از آب این چشمه استفاده کرده بود، آنها حتی میگویند که قبر رستم نیز در خاک شهرستانشان قرار دارد. جالب آن است که در این شهرستان در کنار جاده‌ای، دو تپه خاکی موجود است، میگویند آنجا، جای استراحت رستم در خلال نبرد بود، و خاک این دو تپه را رستم از کفش خود بیرون ریخته است.

این جوانان خود را از اخلاف رستم میدانند و احساس افتخار میکنند. شاید حق با آنها باشد مگر ما در شاهنامه فردوسی، در بخش «داستان رزم اسفندیار با رستم» چنین ابیاتی را نخوانده‌ایم.

همی دور مانی ز رسم کهن براندازه باید که رانی سخن
توباشاه چین جوی جنگو نبرد از آن نامداران برانگیز گرد^۹

۷- مؤلف این دو بخش نویسنده همین مقاله است.

۸- مؤلف آن رساله نویسنده همین مقاله است.

۹- این چند بیت از گفتار اسفندیار است، هنگام گستاخ پدرش میخواست او را برای نبرد با رستم بزابلیستان بفرستد. وی چنین پاسخی داده است.

توضیح نویسنده - درنگارش این مقاله از کمک دوست صمیمی آقای میرهاشم محدث برخوردار شدم. و آقای دکتر مصطفوی نیز این مقاله را از نظر گذراند و پیشنهاد های گرانبها را در اصلاح مقاله داده‌اند با استفاده از این فرصت ابراز تشکر میکنم.